

نظام هماهنگ و فراگیر حقوق بازنشستگان

دکتر حسین درخشنده - بازنشست‌های سازمان برنامه و بودجه

□ جناب آقای لاریجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام چندی پیش جمله‌ی بسیار پرمعنا و هشدار دهنده‌یی به زبان آوردید مبنی بر این که مدیران جامعه باید در شرایط حساس کنونی کشور، سنجیده سخن بگویند که در واقع بیانگر دغدغه‌ی جناب‌عالی نسبت به آشفته بازار اظهارنظرهای ضد و نقیض و بعضاً تحریک‌آمیز برخی از مسوولان جامعه است که متأسفانه این امر در سال‌های اخیر نه تنها فضای اقتصادی و اجتماعی را شدیداً مشوش و متاثر ساخته، بلکه نخبگان کشور را نیز سخت آزرده است. از این رو ضمن ابراز سپاس و خرسندی از توجه و اندیشه‌ی بلند و هوشمندانه‌ی جناب‌عالی در این امر، اجازه می‌خواهم به‌عنوان شهروند دردمند و دل‌سوز بگویم: جناب آقای دکتر لاریجانی! شما هم لطفاً با مراقبت لازم سعی کنید همواره عمل سنجیده داشته باشید تا بتوانید در پایان دوره‌ی هشتم مجلس کارنامه‌ی افتخارآمیز و قابل قبولی از خود به یادگار بگذارید. یقیناً می‌دانید که ملت با فرهنگ و بیدار دل و حق‌شناس ایران به‌دور از هر نوع جو سیاسی و اجتماعی زودگذر نسبت به عملکرد مجریان و تصمیم‌گیران محترم کشور، قضاوت و داوری شایسته و به‌جا از خود نشان می‌دهند.

گفتنی است که رأی‌دهندگان متمهد پایتخت در زمان مبارزات انتخاباتی دوره‌ی هفتم مجلس، به اظهارات و وعده و وعیدهای دل‌گرم‌کننده و امیدبخش جناب آقای دکتر حداد عادل اعتماد کرده و با پاسخ مثبت وی را با بالاترین تعداد آراء روانه‌ی خانه‌ی ملت ساختند. تا جایی که ایشان نیز با استفاده از موقعیت ممتاز حاصل موفق شد سکان هدایت مجلس قدر و سرنوشت‌ساز کشور را به‌دست بگیرد.

شایان ذکر است که آقای دکتر حداد عادل، در آغاز این مسوولیت با استفاده از موقعیت تاثیرگذار خود نسبت به درخواست به‌حق و قانونی بازنشستگان قبل از سال ۷۸ توجه درخور و تحسین‌آمیز و عدالت‌خواهانه مبذول و نامه‌ی متین و مستدل شماره‌ی ۱۹۵۳۶/۶۸۲۷/هـ ب مورخ ۸۳/۳/۲۳ (پیوست ۱) جهت رییس محترم جمهوری وقت صادر و ضمن تبیین جایگاه قانونی مجلس اجرای دقیق قانون را نیز متذکر شد.

سپس کمی بعد براساس شکایات زیاد بازنشستگان به‌منظور رفع تبعیض ناروایی که بین حقوق آنان وجود داشت، توانست برای متعادل ساختن حقوق آنان، قانون الزام دولت به اقدام قانونی به منظور ایجاد نظام هماهنگ و فراگیر پرداخت مستمری بازنشستگان را در تاریخ ۸۳/۶/۲۹ به تصویب برساند. (پیوست ۲) بی‌تردید این دو اقدام چه از لحاظ پافشاری در بذل توجه رییس جمهوری به رعایت روح قوانین و چه از لحاظ دفاع از حقوق بازنشستگان موجب امیدواری و اعتماد این خیل عظیم و خانواده‌های آنان به ایشان و مجلس گردید.

اما پس از گذشت چند ماه به علل نامعلومی نسبت به مطالبات دیگر و مسائل و مشکلات فزاینده‌ی بازنشستگان که بر اثر تصمیمات عجولانه و غیرکارشناسانه‌ی دولت در زمینه‌ی پرداخت تسهیلات گوناگون خرید و وام‌های مختلف مسکن که افزایش فاجعه‌آمیز حجم پول در گردش و افزایش قیمت‌ها را به‌دنبال داشته‌دو چندان شده بود، ناگهان بی‌تفاوت ماند؛ به‌گونه‌ی که از آن پس دیده نشد که در چارچوب وظایفش حتا در مورد «تاکید قانون الزام دولت

به تهیه و تقدیم لایحه‌ی مزبور ظرف دو ماه» پیگیری کند و علت تأخیر غیرقانونی چندین ساله‌ی آن را از دولت پرسش نماید. نهایتاً، سکوت و ممانعت غیرقابل تصور ایشان و مجلسیان سبب شد که جایگاه رفیع مجلس که بنا به فرموده‌ی رهبر فقید انقلاب در رأس همه‌ی امور است و ملاً باید مورد احترام همه‌ی نهادهای جامعه باشد به جهات متعدد به چالش کشیده شود. در این جا اجمالاً به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱- رد قانون تغییر ساعات کار در نیمه‌ی اول هر سال از طرف دولت.

۲- بی‌اعتنایی به نرخ بهره‌ی بانکی مصوب شورای پول و اعتبار از طرف دولت و اعلام نرخ بهره‌ی بانکی به صورت دستوری.

۳- رویگردانی از مفاد ماده‌ی ۱۵۰ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از طرف دولت و تصویب اضافه حقوق پلکانی ابداعی در سال ۸۶ که خوشبختانه از طرف دیوان عدالت اداری لغو گردید.

۴- بی‌توجهی به مفاد ماده‌ی ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات دولتی و تصویب و اجرای ده درصد به‌عنوان اضافه حقوق سال ۸۷ شاغلین و بازنشستگان که موجب تسلیم ده‌ها شکایت به دیوان عدالت اداری شده است.

۵- بی‌اعتنایی دولت نسبت به اجرای قانون مدیریت خدمات دولتی مصوب ۸۶/۷/۸ که موجب خسارات جبران‌ناپذیر مادی و معنوی بازنشستگانی شده است که همواره از آنان به‌عنوان فرهیختگان، پیشکسوتان، سازندگان و مفاخر جامعه نام برده می‌شود.

۶- فراموش‌کاری دولت در مورد پرداخت ۲۰ روز بقیه‌ی پاداش پایان خدمت بازنشستگان قبل از سال ۷۹ که از حقوق

دامنه‌ی شمول کلیه‌ی بازنشستگان موضوع بند «ر» تبصره‌ی ۵ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۲ کل کشور، به کلیه‌ی بازنشستگان و موظفان و مستمری‌بگیران مشترک صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح مغایر قانون است.

ب: با توجه به این که مقنن از یک سو به موجب بند «ر» تبصره‌ی ۵ قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۲ کل کشور ابتدا با بیان این عبارت «دولت موظف است دو درصد (۲٪) از هزینه‌ی عملیات جاری شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت را در سال ۱۳۸۲ کسر نماید» و سپس با افزودن عبارت «و به کلیه‌ی بازنشستگان سال ۱۳۷۸ به قبل به ازاء هر سال حداقل ده روز پاداش پرداخت نماید» اراده‌ی خود را در معیار قراردادان پرداخت هر سال خدمت به میزان ده روز حقوق بازنشستگی در همان سال وصول دو درصد موردنظر خود ظاهر ساخته است. لذا ماده‌ی ۱ موصوبه از آن جهت که به جای معیار موردنظر مقنن به شرح فوق، معیار پرداخت حداقل ده روز حقوق بازنشستگی را سال ۱۳۸۰ که مقنن حتما اشاره‌ی نیز به آن نکرده، تعیین نموده، مغایر قانون است.

۲- علاوه بر این که با عنایت به قسمتی از ماده‌ی ۱۳۸ قانون محاسبات عمومی با این عبارت «از نظر شمول این قانون در حکم شرکت دولتی محسوب می‌گردد» مفید این معنی است که مقنن با آگاهی بر این امر که سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شرکت دولتی نبوده است بنابراین مصلحتی این سازمان را از جهت شمول قانون محاسبات عمومی در حکم شرکت دولتی محسوب نموده است و نه آن که آن را شرکت دولتی بدانند. اصولاً با توجه به این که مستنداً به ماده‌ی ۱ قانون اداره‌ی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و مادتين ۱ و ۲ قانون اساسی نام‌ی سازمان مزبور این سازمان قابل انطباق با هیچ یک از

تشکیلات سه‌گانه‌ی (شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت) نمی‌باشد. لذا ماده‌ی ۲ تصویب‌نامه از جهت قراردادان سازمان مزبور به شرح بند ۱ صفحه‌ی ۱ در ذیل عنوان «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» در عداد تشکیلات سه‌گانه‌ی مذکور در بند «ر» تبصره‌ی ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور مغایر قانون است.

۳- با توجه به سرفصل بودجه هر یک از شرکت‌های دولتی تحت عنوان سرفصل هزینه عملیات جاری و نیز با عنایت به قسمتی از بند «ر» تبصره‌ی ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور با این بیان «دولت موظف است دو درصد (۲٪) از هزینه‌ی عملیات جاری شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت را در سال ۱۳۸۲ کسر نماید.» این معنی به دست می‌آید که آنچه موردنظر مقنن بوده است کسر نمودن - دو درصد از هزینه‌ی عملیات جاری هر شرکت است و نه کسر نمودن دو درصد مزبور از بعضی شرکت‌ها و کسر نمودن بیش از دو درصد از بعضی دیگر شرکت‌ها بنابراین تبصره‌ی ماده‌ی ۲ تصویب‌نامه از آن جهت که ترتیبی غیر از آنچه موردنظر مقنن بوده است، مقرر نموده، مغایر قانون است.

۴- ماده‌ی ۳ تصویب‌نامه نیز که مفید تخصیص کلیه‌ی بازنشستگان سال ۱۳۷۸ به قبل به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری موضوع ماده‌ی ۱ موصوبه می‌باشد به تبع استدلال به عمل آمده در جزء «الف» بند ۱ ایرادات فوق‌الذکر مغایر قانون است.

علی‌هذا مستنداً به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و قانون نحوه‌ی اجرای اصل هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مراتب جهت اقدام لازم در مهلت مقرر و اعلام نتیجه به این جانب به آگاهی می‌رسد.

ضمناً نظر جناب‌عالی را به مدلول تبصره‌ی ۴ قانون الحاق پنج تبصره به قانون فوق‌الذکر و بند ۱-۱۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مرقوم جلب می‌نمایم.

بسمه تعالی

و ذکر به ان تسلس نفس بما کسبت

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

جناب آقای حداد عادل

جنابان نمایندگان مجلس شورای اسلامی

با سلام و آرزوی لحظه‌ی تأمل و تفکر نسبت به ندای ملکوتی آیه‌ی بالا اشعار می‌دارند:

طبق اصل شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر یک از نمایندگان چنین سوگند یاد کرده‌اند: «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و... باشم، و در انجام وظایف

۴۴۰۹۶۶۴۶۴
تلفن - ۱۱۰۳۳۳
پست

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
دفتر رئیس

مجلس

قانون الزام دولت به اقدام قانونی به منظور ایجاد نظام
ساعاتی و فراگیر پرداخت مستمری بازنشستگان

ماده واحده - دولت مکلف است ظرف در ماه از تاریخ تصویب این قانون اقدام
قانونی لازم را به منظور ایجاد نظام ساعاتی فراگیر و متسلسل با نظام ساعاتی پرداخت
شاملین در مورد پرداخت مستمری بازنشستگان به عمل آورد به نحوی که همواره در اختیار
بازنشستگان با دریافتی شاملین در حداقل مثابه ساعاتی باشد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و نهم
شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ
۱۳۸۴/۲/۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

فلاصلی حداد عادل
رئیس مجلس شورای اسلامی

مسلم و قانونی آن‌هاست.

۷- در لایحه بودجه‌ی سال ۸۷ بدون مطالعه‌ی عمیق کارشناسی از تعداد ۶۷۰ دستگاه اجرایی کشور به تعداد ۶۹ دستگاه کاهش داده شد که بعداً با بررسی همه جانبه‌ی که در کمیسیون تلفیق بودجه مجلس به عمل آمد، دوباره به ۳۶۲ دستگاه افزایش پیدا کرد و به تصویب مجلس رسید. ولی باز دولت در دستورالعمل اجرایی قانون بودجه ۸۷ بی‌اعتنا به تصویب مجلس، همان تعداد ۶۹ دستگاه پیشنهادی در لایحه را مبنای ابلاغ بودجه قرار داده است.

۸- دولت بدون توجه به مفاد مواد ۷۲ و ۷۳ قانون محاسبات عمومی که مصرف اعتبارات جاری و عمرانی کشور و انجام هزینه‌ها را مقید به قانون دانسته است، بدون بررسی لازم و تصویب مجلس در مسافرت‌های دوره‌ی و گروهی خود به استان‌ها، مبالغ گزاف و سرسام‌آوری پرداخت کرده است.

۹- دولت بدون رعایت و اعتنا به قانون، چندین نهاد معتبر و موثر کشور را مانند شورای پول و اعتبار، شورای عالی اداری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را منحل کرده است.

۱۰- دولت اجرای پرشتاب طرح تحول اقتصادی را بدون آن‌که مورد بررسی اجتماعی، اقتصادی و مالی قرار گرفته و یا به تصویب مجلس رسیده باشد در دستور کار خود قرار داده و بی‌محابا بدون توجه و پیش‌بینی آثار و تبعات ناخوشایند احتمالی آن، حذف یارانه‌های آب، برق، گاز، نفت، بنزین، گازوییل، شیر و... را نشانه رفته است.

۱۱- دولت بارها مصوبات مجلس را که لازم‌الاجراست رد و به اصطلاح وتو کرده و آشکارا به اصل تفکیک قوا خدشه وارد ساخته است تا جایی که آقای دکتر حداد عادل، ریاست وقت مجلس به‌جای استفاده از راهکارهایی که در خصوص قانون‌گریزی و یا تخلفات دولت در قانون اساسی پیش‌بینی شده است به‌ناچار برای سامان‌دهی آن به مقام معظم رهبری شکایت برده و صدور اوامر مقتضی را خواستار شده است.

به هر حال جای شگفتی است که جناب آقای دکتر حداد عادل با توجه به موقعیت علمی و اشراف قانونی که داشت و می‌توانست در دوران ریاست مجلس، عملکرد خوب و ماندگاری در تعدیل نابسامانی‌های اجتماعی، توزیع عادلانه‌ی ثروت و ایجاد رفاه مطلوب و مورد انتظار منتخبین خود و بازنشستگان را داشته باشد، ولی به‌علت بی‌تفاوتی و برخی ملاحظه‌کاری‌ها نتوانست بخش زیادی از انتظارات بر حق آن‌ها را برآورده سازد.

به مصداق «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» تصویر نامه‌ی مورخ ۸۶/۱۱/۱

مدیران کانون‌های بازنشستگان کشور و دیگر بازنشسته‌ها که قبلاً خدمت‌شان داده شده است، جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد. (پیوست ۳)

اینک، با عنایت به آنچه گفته شد و با توجه به وظایف خطیر

جناب‌عالی در دفاع از حقوق مردم و از جمله بازنشستگان امروز که شاغلان زمان انقلاب بوده و سهم غیرقابل انکار در پیروزی انقلاب و تحقق نظام جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند و متأسفانه اکنون به‌علت سوء مدیریت و بی‌توجهی به منزلت و مطالبات قانونی آن‌ها به‌رغم درآمدهای افسانه‌ی صدها میلیارد دلاری دولت در سال، بدترین و سیاه‌ترین دوران زندگی خود را آن هم در عصر حکومت اسلامی پشت سر می‌گذارند، امید است با بذل محبت و عنایت لازم و شایسته و به دور از هر نوع محافظه‌کاری و یا خدای ناکرده سیاسی کاری بکوشید که با رفتار سنجیده و قانونمند خویش که مقتضای دانشوری و بزرگواری است سرفه‌های رنگ باخته این گروه شریف و فراموش شده بیش از این کم‌رنگ‌تر نگردد و بر دردهای خاموش و تاسف بار آن‌ها افزوده نشود.

باشد که در پرتو خدمات صادقانه و ارزشمند خود در راستای وظایف قانونی، دوره‌ی چهار ساله‌ی ریاست مجلس را با کوله‌باری از رضایت و سپاس این بزرگان و هم‌وطنان شریف ما همراه با رضای خداوند رحمان و قادر متعال به پایان برسانید. ■

پیوست ۱

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

۱- ماده‌ی ۱ تصویب‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۸۵۷۲/ت/۲۹۴۴۸ هـ - مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ از دو جهت و به شرح ذیل مغایر قانون است:

الف: با توجه به این‌که از یک‌سو به موجب بند «ه» ماده‌ی ۳ قانون برنامه‌ی سوم کارکنان رسمی و ثابت مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، استحقاق دریافت یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌ها یا مزایای مستمر را به ازاء هر سال خدمت به‌عنوان پاداش پایان خدمت داشته و از سوی دیگر به تصریح مقنن، در مادتين ۱ و ۱۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت که به ترتیب شامل مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲ و کلیه‌ی دستگاه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی که دارای مقررات خاص استخدامی می‌باشند. بانک‌ها و شهرداری‌ها و نیز شرکت‌ها و موسسات که مشمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است تابع ضوابط و مقررات قانون مرقوم می‌شود. لذا معیار تشخیص دایره‌ی شمول «کلیه‌ی بازنشستگان سال ۱۳۷۸ به قبل» مذکور در بند «ر» تبصره‌ی ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور، همان معیاری است که مقنن به شرح فوق در بند «ه» ماده‌ی ۳ قانون برنامه‌ی سوم، ناظر به مادتين ۱ و ۱۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مقرر داشته است و نه «کلیه‌ی بازنشستگان و موظفان و مستمری‌بگیران مشترک صندوق بازنشستگان کشوری و سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح» مذکور در ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی موضوع تصویب‌نامه‌ی شماره ۴۸۵۷۲/ت/۲۹۴۴۸ هـ - مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ بنا به مراتب فوق‌الذکر ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی مذکور، از جهت محدودنمودن

وکالت امانت و تقوی را رعایت نمایم... و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پای‌بند باشم...»

هم‌چنین طبق اصل یکصد و بیست و یکم، ریاست جمهوری چنین قسم یاد کرده است «من به‌عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و... باشم... و خود را وقف خدمت به مردم... و پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم...»

در این مورد آیا ریاست مجلس بعد از نامه‌ی شماره‌ی ۶۸۲۷۱۹۵۳۶ مورخ ۸۲/۳/۲۳ در استیفای حقوق بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۸ در خصوص تعیین مبنای محاسبه‌ی ده روز پاداش پایان خدمت آن‌ها که نهایتاً حقوق سال ۱۳۸۲ آن‌ها به جای حقوق سال ۸۰ تعیین و پرداخت گردید و هم‌چنین قانون الزام دولت به اقدام قانونی به منظور ایجاد نظام هماهنگ و فراگیر پرداخت مستمری بازنشستگان مصوب بیست و نهم شهریور ماه ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی که با تلاش و پیگیری ریاست و نمایندگان مجلس آن هم فقط در ماه‌های اول دوره‌ی هفتم مجلس صورت گرفت. به راستی چه عاملی موجب گردید که دیگر مسائل و مشکلات رقت‌بار بازنشستگان یکسره به فراموشی سپرده شود و تنها به الفاظ و وعده و وعیدهای غیرعملی بسنده گردد.

حیرت‌آور است که بعد از تصویب قانون الزام دولت به ایجاد نظام هماهنگ مصوب ۸۲/۶/۲۹ که دولت را مکلف و ملزم کرده بود که ظرف مدت ۲ ماه نسبت به تقدیم لایحه مزبور اقدام نماید، هرگز دیده نشد که مجلس در این زمینه به همان سوگندی که در دفاع از حقوق مردم یاد کرده و بنا به وظیفه‌ی قانونی خود پی‌گیری لازم را به عمل آورد و یا علت تاخیر تهیه و تقدیم آن را کتباً از دولت بخواهد.

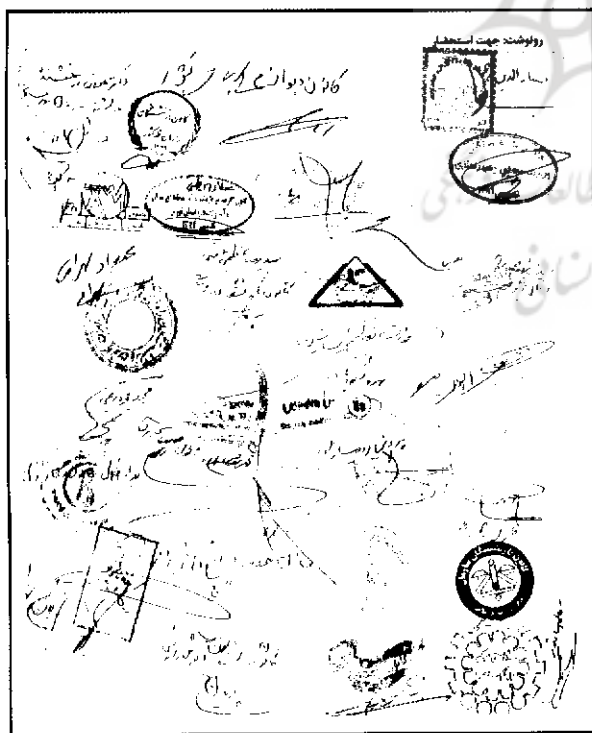
حیرت‌آورتر آن که پس از ۳ سال تاخیر در تصویب قانون مزبور گویی مجلس و دولت در سایه‌ی ائتلاف، فقط از باب رفع تکلیف در این خصوص اقدام و به هیچ روی به معنا و مفهوم روشن و شفاف و غیرقابل تفسیر کلمه‌ی هماهنگ که لزوماً باید دریافتی بازنشستگان همواره با دریافتی آخرین بازنشسته مشابه شغلی برابر باشد، بذل توجهی از خود نشان نداده‌اند و در نتیجه قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۸۶/۷/۱۸، خود موجب ناهماهنگی‌های فراوان بین دریافتی بازنشستگانی که از لحاظ تحصیلی، سوابق خدمت و مراتب شغلی در عرض هم قرار دارند به شرح زیر گردد:

۱- در ماده‌ی ۱۰۹ تفاوت بسیار زیاد و تعجب‌انگیز بین حقوق بازنشستگی، از کارافتادگی و یا فوت کارمندان کشوری با قضات و هیات علمی به چشم می‌خورد که در واقع باید گفت در این قانون متأسفانه شأن و منزلت بازنشستگان و کارمندان کشوری آن‌طور که شایسته مقام‌الای آن‌هاست مورد توجه و عنایت قرار نگرفته است. بدیهی‌ست خدمات ارزنده و تاثیرگذار آنان بر هیچ یک از اهل علم و معرفت و سیاست پوشیده نبوده و نمی‌توان نقش کلیدی آنان را در گردش چرخ‌های عظیم اداری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و صنعتی کشور که با دست توانا و باکفایت ایشان انجام می‌پذیرد، بویژه سهم عمده و غیرقابل انکار آنان را

در تامین و تضمین استقلال اقتصادی و اجتماعی کشور نادیده گرفت. چرا که هنوز زمان زیادی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته تا فداکاری و شجاعت بی‌نظیر کارمندان استخدام کشوری در مبارزات و اعتصابات کوبنده آنان که به تأیید تمامی کارشناسان و صاحب‌نظران، عامل موثر در سقوط حکومت شاهنشاهی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گردید از حافظه‌ی مردم حق‌شناس و بیدار دل ایران پاک نشده و رنگ نباخته است. لذا چه گونه و براساس کدامین باورهای مذهبی و عدالت‌گستری که نمایندگان مجلس و ریاست جمهوری متعهد به انجام آنند. می‌توان پذیرفت که ارزش خدمات بالاترین کارمندان کشوری در چهارچوب امتیازات شغلی چه از لحاظ درجات علمی و چه از لحاظ مراتب شغلی حتا از قاضی دارای مدرک کارشناسی با پانزده سال سابقه‌ی خدمت و یا از استادیار هیات علمی موضوع ماده‌ی ۱۱۰ همین قانون کمتر باشد؟!

۲- تاریخ اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری برای بازنشستگان، موظفین و یا مستمری‌بگیران اعضای هیات علمی و قضات که بازنشسته شده، از کار افتاده و فوت شده‌اند در صورتی که کمتر از حاصل ضرب ضریب ریالی موضوع ماده‌ی ۱۰۹ این قانون باشد از تاریخ ۸۶/۱/۱ تعیین گردیده است. حال آن‌که برای بازنشستگان و موظفین و یا مستمری‌بگیران کشوری به تاریخ تصویب و اعلام رسمی آن یعنی حدود هشت ماه بعد از آن موکول گردیده است.

۳- در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری در



بزم شبانه‌ی صور فلکی

محسن منصوری - سلماس

۱- اشاره: مطلع از صائب تبریزی است.
۲- کلماتی که با حروف درشت تایپ شده است، نمونه‌یی از صور فلکی است که بدون دوربین قابل رؤیت‌اند.
«دوش بر من سایه آن سرو روان افکنده بود
شاخ گل دستی به دوش باغبان افکنده بود»
ماه با صد کبر و نخسوت دید سان از اختران
خستگی بر چشم خور خواب گران افکنده بود
دب اکبر در ترقص، دب اصغر در سماع
مشتری با زهره دستی در میان افکنده بود
سینه‌ی ناهید مملو بود از در یتیم
بر دل گیوان دو صد داغ عیان افکنده بود
ماه می‌شد گاه اندر پشت ابر از ترس تیر
نسر واقع خویش را بر آشیان افکنده بود
نسر طایر شهپر زرین خود را چون هما
بر سر برج اسد چون سایه‌بان افکنده بود
از شباهنگ و سهیل از یاد هرگز کس نکرد
این نظر عیوق را بس در گمان افکنده بود
گرستی ذات البروج از پای الماسین خود
بر رخ صدها سُهبا اشک روان افکنده بود
عقد پروین کرده بُد صد پاره سلک خویشتن
هم همه در چارسوی کهکشان افکنده بود
صاحب الکیل از نکرده‌ستی خیر بهرام گور
بر دل شیران نر آه و فغان افکنده بود
نیمه شب در برج عاج پیر مؤنن‌ها جُدی
بر دل شبگیران بانگ اذان افکنده بود
آسمان بر خویش می‌باید بزمی این چنین
محسنا خارج ز هر شرح و بیان افکنده بود
چشمه‌ی جوزا نشد سیر از نگاه شعریان
قدشان را گرچه در قاب کمان افکنده بود

برادران ارجمند جناب آقای دکتر علی

مسلم و جناب آقای مهندس مهران مسلم

با کمال تأثر و تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان را که از نیکان و خوبان این جهان گذران بود، صمیمانه به شما و همشیره‌ها تسلیت عرض می‌کنم و خود را در غم شما شریک می‌شمارم. روحش شاد

پروفسور سیدحسن امین

محاسبه‌ی امتیاز حقوق دارندگان پایه‌ی قضایی در صورت داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن در رشته‌های قابل قبول برای قضات پنج درصد (۷۵) و برای مدرک تحصیلی دکترا یا معادل آن در همان رشته‌ها ده درصد (۸۰) به امتیاز گروه شغلی آنان اضافه خواهد شد. ولی در مقابل برای کارمندان کشوری ولو با داشتن مدرک کارشناسی ارشد و دکترا باز هیچ‌گونه امتیازی برای آنان در نظر گرفته نشده است!

۴- در قانون مدیریت خدمات کشوری علی‌رغم اظهارات مکرر و امیدبخش نمایندگان دوره‌ی هفتم مجلس و بویژه ریاست جمهوری در راستای اجرای عدالت نسبت به پرداخت ۲۰ روز باقی‌مانده‌ی پاداش پایان خدمت بازنشستگان قبل از سال ۱۳۷۹ متأسفانه هیچ نوع اشاره و توجهی به آنان مبذول نگردیده است.

اکنون با اشاره به «چه خوش است گر محک تجربه آید به میان» از نمایندگان دوره‌ی هفتم بویژه از ریاست پرشور مجلس که وعده‌های زیاد و امیدوارکننده‌یی به بازنشستگان داده‌اند و هم‌چنین از ریاست جمهوری که در هنگام مبارزات انتخاباتی، خود را شدیداً مدافع حقوق مسلم بازنشستگان نشان داده و گاهی به علت زندگی نابه‌سامان و اسفبارشان اشک ماتم می‌ریختند، پرسش این است:

آیا به راستی به وعده‌های داده شده‌ی خود جامه‌ی عمل پوشانده و در پیشگاه قادر متعال از مندرجات کارنامه‌ی خویش احساس مسرت و رضایت دارید؟

و آیا در پرتو ائتلاف و هم‌دلی و هم‌سوئی کم‌نظیر مجلس و دولت در توزیع صدها میلیارد دلار درآمد افسانه‌یی ناشی از فروش نفت بین صاحبان قدرت و سرمایه در برابر تخصیص و واکناری سهام شرکت‌های ورشکسته و مقروض تحت نام مقدس «عدالت» به بازنشستگان و کارمندان کشوری که صاحب شندرغاز حاصل از اجرای قانون «ناهماهنگ» مدیریت خدمات کشوری می‌شوند احساس پیروزی و شادمانی می‌نمایید؟

در این جا به مصداق «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» از طرح ده‌ها پرسش درآلود دیگر اجتناب نموده و فقط با اعلام و انعکاس زندگی غم‌انگیز و پر رنج ده‌ها هزار بازنشسته قبل از سال ۱۳۷۹ آن هم در فضای نورانی و پر مهر حکومت اسلامی و امام زمانی (عج) که جامعه‌ی ما مفتخر به آن است به همراه آرزوی روایی و گوارایی کلیه‌ی درآمدها و امتیازاتی که در سایه‌ی سکوت و بی‌اعتنایی نسبت به حقوق حقه و مسلم این قشر خدوم، نجیب و گران‌سنگ تحصیل فرموده‌اید یک بار دیگر به ذکر مجدد فراز آسمانی که بر تارک این غم‌نامه می‌درخشد بسنده می‌نمایند.

و ذکر به آن تبسّل نفس بما کسبت (به آنان تذکر بده که هر کس به عمل خود عاقبت گرفتار می‌شود.) انعام، آیه‌ی ۷۰

با تقدیم - مدیران کانون‌های بازنشستگان کشوری و مشاوران